



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تجربه زیسته کنشگران از مفهوم زمینه‌های فرهنگی توسعه در زنجان

لیلا ندرلو (دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی اقتصادی توسعه، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران)

naderloo59@yahoo.com

ربابه پورجلی (استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، نویسنده مسئول)

pourjabali@gmail.com

محبوبه بابائی (استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران)

mbabaei1013@yahoo.com

چکیده

باتوجه به اینکه فرهنگ دارای کارکردهای گوناگونی بوده و اثرگذاری آن در توسعه و ابعاد مختلف زندگی اقتصادی اجتماعی بشر غیرقابل اغماض است، علیرغم نقش قابل توجه آن در زندگی، ولی متأسفانه به حاشیه رانده شده و رسالت عمده توسعه، حضور مجدد فرهنگ در زندگی روزانه مردم است بنابراین، مطالعه پژوهشی حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی قصد دارد تا تجارب کنشگران زنجانی در مورد زمینه‌های فرهنگی توسعه در زنجان را مورد بررسی قرار دهد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و در نظر گرفتن اشباع نظری داده‌ها، ۲۷ نفر از مردم زنجان در پژوهش مشارکت کردند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه -ساختاریافته جمع‌آوری و پیاده‌سازی گردید. و سپس به روش دستی مورد تحلیل قرار گرفت. مدت زمان انجام هر مصاحبه به طور متوسط ۳۰ الی ۶۰ دقیقه بود. روش تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها مبتنی بر هفت مرحله متودولوژی کلاسیکی انجام گردید. این مراحل شامل مرور اطلاعات مکتوب، استخراج عبارات مهم مرتبط با پدیده، فرمول بندی معانی، قراردادن معانی فرموله شده در داخل خوشه‌ها و شکل

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۲ صص ۱۸۸-۱۴۹

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

دادن مضامین (تم‌ها)، ترکیب نتایج در قالب توصیف پدیده مورد مطالعه، تعیین ساختار ذات پدیده و اعتبار سنجی یافته‌ها از طریق مراجعه مجدد به مشارکت کنندگان می‌باشد. براساس نتایج پژوهش زمینه‌های فرهنگی محقق شده توسعه در زنجان بر اساس تجربه زیسته مشارکت کنندگان عبارتند از: توسعه نهادهای اجتماعی و مردمی، حس تعلق به خانواده و اقوام، تسهیل‌گری رسانه‌ها، تحقق آگاهی اجتماعی نسبت به جایگاه زنان در جامعه، توسعه تفکر اسلامی و ایرانی و تکوین خودآگاهی جمعی می‌باشد. لذا مردم زنجان در کنار سنت‌های مورد قبول خود به بازسازی زندگی روزمره بر حسب عوامل جهانی که بیشتر از طریق منابع و بسترهای تازه از قبیل رسانه‌های جهانی، فضاهای مجازی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و همچنین عوامل محلی، شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برمی‌گزینند.

کلیدواژه‌ها: توسعه، فرهنگ، مطالعه پدیدارشناسی، سنت، خودآگاهی

۱. مقدمه

هر توسعه‌ای مستلزم تغییرات است و فرآیند توسعه بدون تغییرات عمیق در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، محقق نخواهد شد. بُعد فرهنگی تنها یکی از اجزای توسعه نیست، بلکه عامل اساسی است. یعنی توسعه‌ای که نتواند حیات فرهنگی را تشخیص دهد و از آن بهره‌مند شود یا از نظام‌های ارزشی، سنت‌ها، باورها چشم‌پوشی کند، موفق نخواهد بود (برون، ۱۳۹۶). توسعه‌ای که بُعد فرهنگی را نادیده بگیرد، متکی بر الگوهای خارجی است و خلاقیت فرهنگ بومی را از رشد باز می‌دارد و ظرفیت جامعه را برای مقابله با فرهنگ و الگوهای ناخواسته خارجی و وارداتی سست می‌کند و این امر موجب بی‌قاعدگی فرهنگی می‌شود: «توسعه حتماً باید جامع باشد، یعنی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... باشد. توسعه باید ریشه در فرهنگ داشته باشد. نرم‌افزار توسعه جامع که بخشی از آن توسعه فرهنگی است، خود باید فرهنگی باشد، یعنی ریشه در هویت دینی و تاریخی فرهنگ، زیست جهان و عقبه ما داشته باشد. نوع زیست جهانی که مردم ما در مناطق مختلف

دارند، سرشار از قابلیت و امکان است. قرار نیست که کشورها فقط با یک فرهنگ غربی به توسعه برسند، می توان با فرهنگ های مختلف به توسعه رسید» (افروغ، ۱۳۸۵).

کشورهایی پیشرفته، به واسطه فرهنگ منحصر به فرد و ویژه ای که زمینه و بسترساز تحول و توسعه بوده است، به این جایگاه رسیده اند. «فرهنگ موتور محرک رسیدن یک جامعه به توسعه یافتگی است» (شیرین آبادی و مارامایی، ۱۳۹۷). برای تحول و توسعه یک کشور، یکپارچگی و انسجام اجتماعی و فرهنگی عامل مهم و تاثیرگذار است و نبود چنین وضعیتی سبب ایجاد موانع بسیار و کند شدن چرخ های توسعه یافتگی می شوند، معانی توسعه در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحولاتی شده است و هر کس براساس دیدگاه خود نسبت به آن تعریف ارائه کرده و تاکنون تعریف یکپارچه و مشخصی ارائه نشده است و نوعی ابهام در فهم واقع بینانه از معنای توسعه به وجود آمده است. باید گفت تاکنون ارتباط معناداری با امر واقع در نظر و عمل بر قرار نشده است. تعریف مردم از توسعه با تعریف حاکمان جامعه زمین تا آسمان فرق می کند. حاکمان و صاحبان ثروت توسعه را به صورت کلان و ایدئولوژیک تعریف می کنند درحالی که توسعه در میان ذهنیت ها و تعاملات اجتماعی افراد پدیدار می گردد، از این رو باید در سطح خرد به و باتوجه به تجربه، درک، توصیف و تفسیر افراد بر اساس قرار گرفتن در موقعیت های مختلف مورد بررسی قرار داد (یوسفوند، ۱۳۹۵).

باتوجه به این که فرهنگ دارای کارکردهای گوناگونی بوده و اثرگذاری آن در توسعه و ابعاد مختلف زندگی اقتصادی اجتماعی بشر غیرقابل اغماض است، علی رغم نقش قابل توجه آن در زندگی، ولی متأسفانه به حاشیه رانده شده و رسالت عمده توسعه فرهنگی، حضور مجدد فرهنگ در زندگی روزانه مردم است. افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند هر یک دارای افکار و دیدگاه های خاصی هستند و برداشت های آنان از مسائل با یکدیگر بسیار متفاوت است و برداشت از توسعه توسط افراد و کنشگران در جامعه نیز از این قاعده مستثنی نیست و هر یک بر اساس موقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و ... که در آن قرار دارند ممکن است برداشت های متفاوت از آن داشته باشند. بشر در طول زندگی

خود به دنبال پاسخ به نیازهای مختلف خود می‌باشد و برای این رسیدن به این نیازها کارهایی انجام می‌دهد تا راحت‌تر و بهتر بتواند به این نیازها دسترسی پیدا کند، آنچه انسان-ها برای ارضای نیازهای خود به آن اتکا می‌کنند مفهوم توسعه است یعنی انسان همواره به-دنبال پیشرفت و بهبود زندگی خود می‌باشد به طوری که به بیشترین رفاه و در آخر به رضایت درونی دست یابد. اما برای رسیدن به این امر باید دید مفهوم توسعه چیست چرا انسان‌ها هرچه جلوتر می‌روند به توسعه مطلوب خود دست نمی‌یابند؟

روند توسعه در هر کشوری براساس شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و ... با یکدیگر متفاوت می‌باشد و در ایران نیز روند توسعه با کشورهای غربی متفاوت می‌باشد. با توجه به موضوع تحقیق، لازم است مختصری از موقعیت فرهنگی و اجتماعی و ... این استان ارائه شود: استان زنجان را می‌توان کانون تلاقی فرهنگ‌ها و زبان‌ها دانست و شاید بتوان موقعیت جغرافیایی آن را در این زمینه منحصر به فرد تلقی نمود. فرهنگ آذربایجان و زبان آذری، فرهنگ مردم استان گیلان و زبان گیلکی، استان کردستان با زبان کردی و همچنین نزدیکی با مرکزیت سیاسی کشور (پایتخت) به نحوی این استان را چهار راه فرهنگ‌ها، زبان‌ها و قومیت‌های متفاوت نموده است. همچنین زنجان در یک موقعیت جغرافیایی از قبیل نزدیکی به پایتخت و استانهای صنعتی از قبیل قزوین و تبریز قرار گرفته است هنوز به مرحله‌ای از توسعه نرسیده مسئله‌ای که در این تحقیق را ضروری می‌نماید این است که استان زنجان نسبت به سایر استان‌ها، استانی محروم به حساب می‌آید و برای رسیدن به سطح قابل قبولی از رفاه، نیازمند آن است که برنامه‌هایی در سطح استان و شهرستان‌های آن اجرا شوند تا وضعیت استان در کل کشور بهبود یابد برای تدوین و اجرای هر برنامه‌های شناخت وضعیت فعلی جامعه‌ای که برای آن برنامه توسعه‌ای تهیه می‌گردد ضروری است. بر این اساس هدف از انجام این مطالعه این است که مشاهده کنیم آیا زمینه‌های فرهنگی برای توسعه مهیا بوده؟ آیا مردم شرایط پذیرش و تغییر و تحولات اقدامات توسعه‌ای را دارند؟ بخش اعظم فعالیت‌هایی که در ذیل عنوان

کلی توسعه انجام می شوند از چنان مشوروعیتی برخوردارند که کمتر امکان طرح پرسش و چون و چرایی در مورد آثار و پیامدهای مختلف آن ها بر محیط طبیعی و عواقب محیط های انسانی وجود دارد. با این پیش فرض گفتمان توسعه در جامعه سلطه یافته و کسی نمی تواند با آن مقابله کند. اگر کسی در برابرش ایستادگی کند به آن انگ ضد توسعه زده می شود و بنابراین سکوت کرده و خود را به جریان توسعه از پیش تعیین شده می سپارند. به طوری که می توان اذعان نمود که توسعه به مردم القا شده است و مردم در پذیرش و یا عدم پذیرش آن تا حدودی دخالت ندارند و به نوعی توسعه پاسخی به اقتضائات تاریخی بوده است. در حالی که در زمان های مختلف، معنا و مفهوم توسعه یکسان نبوده و از آن مفاهیم و معانی و برداشت های گوناگونی شده است بنابراین فهم توسعه مبهم مانده و تعریفی که حاکمان از توسعه دارند کلی و کلان است و با اوضاع و احوال کنونی مردم منطقه فاصله دارد.

بنا براین در این تحقیق سعی شده است با رویکردی پدیدارشناسانه به پدیده فرهنگ توسعه در سطح زنجان پرداخته شود و از منظر کسانی که به واسطه مداخلات توسعه ای زندگی شان دستخوش تغییر شده است را توصیف کنیم.

در پایان این سوال به ذهن متبادر می گردد که: آیا زمینه های فرهنگی برای توسعه در زنجان در تمامی ابعاد و شاخص ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی) فراهم می باشد؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. چارچوب نظری تحقیق

رویکرد های ساختار گرایی رادیکال، کارکرد گرایی، انسان گرایی رادیکال و تفسیر گرایی را برای ارتباط بین فرهنگ و جهانی شدن می توان مطرح کرد. این چهار دیدگاه، هر کدام از نظر پارادایمی متمایز با ماهیت و نقش و ارزش علمی و اطلاعاتی خاص خود، به پدیده جهانی شدن و فرهنگ توجه کرده اند. با ترکیب آنها می توان از تمام زوایا، به مسئله جهانی شدن و فرهنگ را مورد بررسی قرار داد. (اردلان، ۲۰۰۹: ۵۱۳). فرض پارادایم

کارکردی آن است که جامعه وجودی مجرد دارد و از نظم مشخصی پیروی می کند. جهانی شدن فرایند غیر قابل برگشتی است که در آن ارزش ها و هنجارهای انگلو-آمریکایی بر فرهنگ جهان جدید غالبند. بر این اساس گفته می شود شبکه جهانی فرهنگ، قوی ترین نیروی اجتماعی و سیاسی در جهان است. چنین شبکه جهانی از فرهنگ است که ترس برخی دولت های اسلامی از این فرایند و تلاش آنها برای جدار کردن مردمشان از جهان مدرن، نشان می دهد. در این پارادایم جریان اطلاعات و کنترل آن توسط برخی دولت های قوی غربی مورد بررسی قرار گرفته و تاثیر دهکده جهانی بر ارزش های دیگر کشورها کنکاش می شود. در این راستا تاثیر رسانه ها در این دهکده جهانی نیز، مورد اشاره قرار می گیرد. تاثیر و کنترل فرهنگ آمریکایی بر رسانه های عمومی، در فرایند جهانی شدن، در این پارادایم مهم است. (اردلان، ۲۰۰۹: ۵۱۸). پارادایم تفسیری بیان می کند واقعیت اجتماعی، نتیجه تفسیرهای ذهنی افراد است. پدیده های فرهنگی در این پارادایم، نمودهایی خارجی از تجربه درونی اند. از این رو، علوم فرهنگی، نیاز به کاربست روش های تحلیلی مبتنی بر «درک و فهم» است که از طریق آن یک اندیشمند فرهنگی می تواند انسان ها، اندیشه آنها، احساسات آنها و شیوه ابراز آنها در جهان بیرونی را بفهمد و درک کند. در این پارادایم، موضوع محوری در تعاملات اخیر جهانی، تنش بین تجانس و عدم تجانس فرهنگی است. نیروهای فرهنگی که از کلانشهرهای مختلف وارد جوامع جدید می شوند، به طریقی تمایل به بومی شدن دارند. این امر شامل موزیک، سبک های سکونت، علم تکنولوژی، نهادها و مناظر می شود. اقتصاد فرهنگی جهان اخیر، نظامی پیچیده ه پوشان و متمایز کننده^۱ است. پیچیدگی آن معطوف به گسست های اساسی مشخصی بین اقتصاد، فرهنگ و سیاست است. این گسست ها را با ارجاع به رابطه بین پنج بعد جریان فرهنگی زیر می توان فهمید: ۱- حوزه قومیتی^۲ ۲- حوزه تکنولوژیک^۳ ۳- حوزه مالی^۱ ۴- حوزه رسانه ای^۲ ۵-

-
- 1- Dis Junctive
2- Ethnoscape
3- Technoscape

حوزه ایدئولوژیک^۳ وجود پسوند مشترک *scape* در این ابعاد، دلالت بر آن دارد که این ابعاد، روابط عینی خاص نیستند، بلکه سازه هایی ذهنی اند که عمیقا تحت تاثیر بافت تاریخی، زبانی و سیاسی انواع مختلف کنشگران است همچون دولت - ملت ها، شرکت های چند ملیتی، جوامع مهاجر، جنبش ها و گروه های خرده- ملی (دینی، سیاسی یا اقتصادی) و گروه های چهره به چهره صمیمی، مثل روستا ها، همسایگان و خانواده ها. بر این اساس، می توان گفت جهانی شدن فرهنگ، به معنای همگن شدن آن نیست. با این حال، جهانی شدن از ابزار های همگان سازی مثل تسلیحات، فنون تبلیغاتی، سلطه زبانی و سبک های پوشش بهره می گیرد. از این رو، ویژگی محوری فرهنگ جهانی، عبارتست از: سیاست یکسانی در برابر تفاوت. (اردلان، ۲۰۰۹: ۵۲۱). پارادایم انسان گرایی رادیکال، انتقادی از وضع موجود می کند و از دیدگاه هی ذهن گرایانه با رویکرد تغییر بنیادین، به سبک های سلطه، آزادی، محرومیت و عاملیت می پردازد. این دیدگاه بر اساس زیر بنای ذهنیش تاکید زیادی بر آگاهی انسانی دارد و تمایل دارد که جامعه را ضد انسان در نظر بگیرد. از منظر این دیدگاه، جریانات فرهنگی جهانی، در مدیریت شرکتهای رسانه ای بین المللی قدرتمندی هستند که از آخرین تکنولوژی های ارتباطی برای شکل دهی به جوامع و هویت ها بهره می گیرند. تصاویر و اندیشه ها، اثر شگرفی بر شیوه تجربه افراد از زندگی روزمره شان می گذارند. فرهنگ، دیگر بیش از این با محل ثابتی پیوند ندارد، بلکه، معانی جدیدی کسب می کند که منعکس کننده موضوعات مسلط در حال ظهور در زمینه ی جهانی است (اردلان، ۲۰۰۹: ۵۲۴). در رویکرد ساختار گرایی رادیکال، فرهنگ چیزی است که برخی آن را احساس می کنند در صورتی که برخی دیگر آن را احساس نمی کنند. در این منس، هیچ توجیهی معطوف به معیار های جهانی برای ارزش ها و اعمال فرهنگی وجود ندارد. در نظام جهانی فعلی، پرسش در مورد همگن شدن فرهنگ، که با تقابل «خاص» در مقابل «جهانی»

- 1- Financescape
- 2- Mediascape
- 3- Ideoscape

سروکار دارد، می تواند با تقابل « ملی » در مقابل « جهانی » پیوند داده شود. مشکل مرتبط با فرهنگ جهانی از آنجا ناشی می شود که تعریف یک فرهنگ، مستلزم تعریف مرزهایی است که سیاسی اند، یعنی مرز های استثمار و مقابله با استثمار. این مرز ها اختیاری اند، زیرا، ترسیم مرز ها از یک نقطه و به نقطه دیگر به لحاظ منطقی قاطع و قابل دفاع نیست. مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی نیز هست. اگر افراد در مقابل ارزش های فرهنگی انکار شده یا مورد غفلت واقع شده شان مقاومت نشان می دهند، در نزاع های سیاسی شان در درون یک دولت نیز، سعی در تقویت موضع فرودستان می کنند. (اردلان، ۲۰۰۹: ۵۲۸).

نظریه های گفتمان پسا ساختار گرایی " چانتا موفه^۷ و ارنستو لاکلائو^۸ " از نظر این دو اندیشمند هر چیزی، " فرهنگی " است و از آنجا که خود واقعیت اجتماعی، از سنخ گفتمان است، بنابراین همواره نظم اجتماعی ساخته شده از طریق فرهنگ، مورد مخالفت قرار گرفته و باز تولید شده است. در حالیکه در عصر مدرنیته، فرهنگ به مثابه هنر عالی، حوزه خاصی از جامعه را اشغال کرده بود، در عصر پسا مدرنیته، به دیگر عرصه های جامعه نیز راه یافته است (ویلیامز^۱، ۱۹۸۱).

به عقیده «کنت»^۲ تکامل یا پیشرفت بشر از رشد ذهن او حاصل می شود. «کنت» استدلال کرد که به کمک مطالعات تجربی در خصوص فرایندهای تاریخی، به ویژه پیشرفت علوم گوناگون و مربوط به هم، قانون مراحل سه گانه، که راهبر پیشرفت بشر است، آشکار می شود. او این مراحل را در اثر اصلی اش، کتاب شش جلدی با عنوان «روال فلسفه اثباتی» (۱۸۴۲-۱۸۳۰)، تحلیل کرده است. این مراحل سه گانه عبارتند از: ۱. مرحله ی ربانی ۲. مرحله متافیزیکی ۳. مرحله اثباتی: در این مرحله نهایی از پیشرفت اجتماعی، به درک این مطب

1- Chanta Mouffe

2- Ernesto Laclau

3- Williams

4- Comte

می‌رسیم قوانینی بر پدیده‌ها حاکم‌اند. نکات برجسته این مرحله عبارتند از: اتکا به علم، تفکر منطقی، قوانین تجربی و مشاهده (دیلینی، ۱۳۹۸).

«دورکیم»^۳ در مورد گذار جوامع اروپایی از وضعیت قبل از صنعتی شدن به وضعیت صنعتی و تأثیرات آن روی جامعه، با مرتبط ساختن فرهنگ و تغییر معتقد بود که صنعتی شدن نوع جدیدی از تقسیم کار را در اروپا به وجود آورد که باعث درهم شکسته شدن یک سلسله ارزش‌ها و هنجارهای مشترک اجتماعی شد. «دورکیم» میان توافق ارزشی و یکپارچگی ساختاری تمایز قائل بود و برای بیان این تمایز از اصطلاحات همبستگی مکانیکی و همبستگی ارگانیکی استفاده کرد. «دورکیم» در نخستین آثارش گفته بود که نظام-های نیرومند مبتنی بر باور مشترک، مختص همبستگی مکانیکی در جوامع ابتدایی‌اند، ولی همبستگی ارگانیکی که از تنوع فراینده و پیشرفته تقسیم کار و نیز وابستگی متقابل هرچه بیشتر پدید آمده و برای پیوند دادن اعضای جامعه به باورهای مشترک کمتری نیاز دارد؛ اما او بعدها این نظرش را تعدیل کرد و تأکید نمود که حتی نظام‌های برخوردار از همبستگی ارگانیکی بسیار پیشرفته نیز اگر نخواهند به صورت توده‌ای از افراد خودبین و متجاوز به حقوق همدیگر تبدیل شوند، باید برپایه یک ایمان مشترک یا وجدان جمعی مبتنی گردند (سیدمن، ۱۴۰۰).

«پارسونز»^۴ بیش از نظریه پردازان قرن نوزدهم تلاش کرد تا روابط میان فرهنگ، شخصیت و ساختار اجتماعی را با ارائه الگوهای تجربیدی و دارای قابلیت کاربرد عام به شکلی نظاممند در قالب نظریه بیان کند. «پارسونز» تحت تأثیر «وبیر» و تاحدی «توماس»، کنش اجتماعی را به عنوان موضوع اصلی جامعه‌شناسی خویش معرفی کرده و نظریه پیچیده‌ای را درباره آن عرضه می‌کند. «پارسونز» معتقد است که تمام نظریات، در حال حرکت به سمت نوعی نظریه اراده‌گرایانه کنش هستند که در آن انسان‌ها انتخاب کننده و تصمیم گیرنده

1- Durkheim

1- Parsons

2- Lerner

در مورد اهداف گوناگون و وسایل مختلف برای رسیدن به آنها هستند. کنش بنیادی از یک کنشگر، وسایل، اهداف و محیطی ساخته می‌شود که شامل موضوعات مادی و اجتماعی و هنجارها و ارزش‌هاست. از نظر «پارسونز»، کنش نوعی از رفتار است که جنبه آگاهانه دارد (سیدمن، ۱۴۰۰).

اندیشه «لرنر»^۵ بر طراحی یک مدل جهانی برای نوسازی متمرکز بود و در همین راستا به توضیح چگونگی گذار جوامع از مرحله سنتی به مرحله انتقالی و سرانجام، تبدیل آن به جامعه‌ای مدرن و نو پرداخت. وی تلاش کرد تا ارتباط توسعه را با چهار متغیر نشان دهد: ۱. افزایش میزان شهرنشینی؛ ۲. گسترش سواد؛ ۳. دسترسی مردم به وسایل ارتباط جمعی و ۴. افزایش میزان مشارکت سیاسی و اقتصادی مردم. «لرنر» با ارائه یک رابطه خطی سعی کرد جایگاه هریک از متغیرها را در مراحل مختلف آن رابطه علی تشریح کند. شهرنشینی گسترش سواد گسترش وسایل ارتباط جمعی مشارکت سیاسی نتیجه این تحركات، فوق تبدیل جامعه سنتی به جامعه مدرن است. «لرنر» معتقد است که فرد نوگرا که برخوردار از سواد، شهرنشینی، وسایل ارتباط جمعی و همدلی (مشارکت سیاسی) است، بالاترین میزان فکر و اندیشه نوگرایی را دارد. (جعفری، ۱۳۸۹).

«راجرز»^۶ باتوجه به تعدادی از مطالعات خود به این نتیجه رسید که در بعضی از فرهنگ‌ها عموماً زمینه برای نوآوری نسبت به فرهنگ‌های دیگر بیشتر است. به نظر او فرایند قبول یک اندیشه که متضمن یادگیری آن اندیشه و هم تصمیمگیری درباره آن است، در پنج مرحله عینیت می‌یابد: ۱. آگاهی؛ ۲. علاقه؛ ۳. ارزشیابی؛ ۴. آزمایش و ۵. قبول. به نظر «راجرز»، کسانی که اندیشه نویی را سریع می‌پذیرند، هریک از این مراحل را نیز با سرعت پشت سر می‌گذارند و برعکس، کسانی که دیرپذیرند، هریک از این مراحل را نیز به کندی پشت سر می‌گذارند. به نظر او جوان‌ترها و همچنین ثروتمندان زودتر از دیگران نوآوریها را

میپذیرند؛ نوآوران در آغاز خود را کجروانی می شناسند که پا را از نظام اجتماعی خویش فراتر نهاده اند، ولی خود را با گروه ایی که رفتار آنها را درست می دانند، هم هویت می دانند (جعفری، ۱۳۸۹).

توسعه جایگزین به طور خلاصه در راستای احیای پیروزی جامعه از طریق اقتصاد است و جامعه مدنی سازمان یافته (سازمان های غیردولتی) می تواند نقش مهمی جلوگیری از خصوصی سازی حوزه عمومی ایفا کند. با این حال، این نقد بر این دیدگاه وارد است که سازمان های غیردولتی گرچه وابسته به دولت نیستند ولی تحت کنترل حامیانشان و برنامه های گفتمانی و فرهنگی آنها هستند. توسعه بدیل می تواند با ترویج همگرایی در زمینه دغدغه ها و علایق تازه در هر دو حوزه سیاست های جهانی و محلی راهبردهای ائتلافی جدیدی از جنبش های جدید و قدیم خلق کند (سیاست های جدید). در این صورت می تواند به جای سیاست های همبستگی ایستا یا وحدت سیاسی تازه ایده هم افزایی در میان عاملان کثرت گرا را دنبال نماید، البته یک هم افزایی انعطاف پذیر و پویا. در این زمینه سازمان های غیردولتی متعلق به بانک جهانی باید بستر مذاکراتی سه جانبه بین دولت، سازمان های غیردولتی و نهادهای بین المللی را فراهم کند (ندروین، ۱۳۹۵).

رویکرد توسعه مشارکتی سعی در پُر کردن خلاء عظیم مشارکت عمومی در فرایند توسعه داشته و دو منظر را القا می کند: اول این که، مشارکت افراد در مراحل مختلف برنامه های مرتبط با زندگی آنان، فی نفسه یک هدف تلقی می شود. دوم این که توسعه واقعی همواره با مشارکت و فعالیت های عمومی تحقق می پذیرد. همچنین؛ مشارکت آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می شود و قالب هایی چون انجمن ها، گروه ها و سازمان های مردمی را به خود می گیرد بخشی از فرایند چنین توسعه ای را تشکیل می دهند از این رو در این رویکرد؛ مشارکت دیگر یک عامل توسعه در کنار عوامل دیگر به حساب نمی آید؛ بلکه هدفی بزرگ است که توسعه درصدد رسیدن به آن است چنانچه؛ «ژولیوس نیره» از محققان توسعه مشارکتی می گوید: «توسعه بر

محور مشارکت، تنها راه حل مشکلات جهان سوم است ...» «عبداللہ خان»، بحران کنونی تشدید فقر در مناطق محلی را ناشی از کنار گذاشتن ساکنان از برنامه‌ریزی‌ها و فرایندهای توسعه، اجتناب از اصلاحات ساختی و نهادی از جمله اصلاحات ارضی و تأکید بیش از حد بر افزایش تولید می‌داند «سالیما عمر^۲»، راه عمده توسعه را فقط از طریق مشارکت مردم و برنامه‌ریزی از پایین به بالا می‌داند «میسرا^۳» معتقد است که برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های توسعه باید نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز ایجاد شود. «استیگلitz^۴» می‌گوید: از آنجا که توسعه به معنای تحول کل جامعه است، کل جامعه باید درگیر این مسأله شود. به زعم «بوکلند^۵» در غیاب مشارکت طرح و برنامه‌های توسعه با شکست روبه‌رو می‌گردند. «گولت^۶» با تجزیه و تحلیل نوع شناختی انواع مشارکت نتیجه می‌گیرد که انواع مختلف توسعه، نیازمند شکل‌های مختلف مشارکت است. به نظر وی یک توسعه مردم‌محور که اولویت را به تأمین نیازهای اولیه انسانی ایجاد شغل، اتکاء به خویشتن، فعال‌گرایی و تنوع فرهنگی اختصاص می‌دهد، نیازمند نوعی از مشارکت است که در آن غیرنخبگان نقش فعالی در تشخیص مشکلات خود ایفا می‌کنند «رهنما» با توجه به نقش کلیدی مشارکت در توسعه انسان‌محور چهار کارکرد را برای مشارکت برمی‌شمارد: کارکرد شناختی؛ کارکرد اجتماعی؛ کارکرد سیاسی و کارکرد ابزاری. در ادامه به هر کدام از این موارد اشاره می‌گردد: الف. برحسب کارکرد شناختی، مشارکت مولد گفتمان و عملیات مربوط به توسعه‌ای است که مبتنی بر شیوه متفاوتی از فهم واقعیت‌های مربوط به توسعه است ... مشارکت مردمی معنا و نقش جدیدی از توسعه ارائه می‌دهد که مبتنی بر صورت‌های متفاوتی از تعامل، کاوش و کنکاش مشترک برای نیل به شناخت مردمی و بومی جدیدی است. ب. به لحاظ اجتماعی،

1- Ragers Salima Omar

2- Ragers Pi Misra

3- Stiglitz

4- Buckland

5- Gullet

مشارکت می تواند نهادها، گروه ها و افراد درگیر در فرایند و فعالیت های توسعه ای را در قالب بازه ای جدید صف آرایی نموده و به آنها توانمندی لازم را جهت برآوردن نیازهای اصلی و ریشه کن نمودن فقر اعطاء نماید؛ ج. از منظر سیاسی، مشارکت می تواند به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت منبع مشروعیت بخش به توسعه باشد به لحاظ ابزاری، رویکرد مشارکتی با آگاهی از نقصان های راهبردهای سنتی و متعارف توسعه و نیز با بهره گیری از فرایند توانمندسازی، آسیب پذیران را به مراقبت از خودشان فرا می خواند. توسعه مشارکتی با طرح اندیشه های توسعه از پایین، درونزا و بومی که با مفاهیم خوداتکایی و مشارکت مردمی آمیختگی شدیدی دارند و بر استفاده از منابع طبیعی، انسانی و نهادی با هدف ارضاء نیازهای اساسی افراد هر منطقه تاکید دارند قرابت دارد. دخالت خودخواسته عناصر محلی در فرایند توسعه و تحرک بخشیدن به منافع بومی برای نیل به توسعه محلی و ملی زیربنا و شالوده نگرشی را تشکیل می دهد که از آن می توان به عنوان «توسعه مشارکتی» یاد کرد. رویکرد توسعه مشارکتی که در آن مشارکت به صورت غایی و ابزاری ایفای نقش می نماید با مواردی چون افزایش تولید و بهره وری، تحقق فرصت های برابر، دسترسی به منابع قدرت، دسترسی به خدمات و نهادهای تولید، اشتغال سودمند، تقویت و اعتلاء اعتماد به نفس و خود اتکائی، توازن بوم شناختی و ... قرابت دارد (موسوی و دوستی، ۱۳۹۷).

به زعم گائوتری^۱؛ برای تحقق مشارکت هم باید اراده سیاسی دولت، اسناد قانونی و نهادهای اجتماعی متناسب وجود داشته باشند و هم باید مشارکت کنندگان شرایط لازم را داشته باشند. علل عدم مشارکت عبارتند از: بیسوادی و فقدان اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، عادت امتناع از رأی دادن، بدبینی فرد در خصوص کارایی مشارکت، کمبود وقت و نیز عدم آمادگی مسئولان دولتی جهت گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم باید توجه نمود ... همچنین؛ وجود فلسفه اجتماعی و سیاسی مؤثر، اراده سیاسی لازم، وجود قوانین و نهادهای مناسب، برخورداری از تحصیلات و اطلاعات مناسب، داشتن وقت کافی، دوری از

1- Gaotri

انزوا و کناره گیری، عدم تردید در مورد مؤثر بودن فرایند مشارکت، نظام اجتماعی که ظرفیت پذیرش مشارکت را داشته باشد، شرایط ذهنی و مالی مناسب برای مشارکت، وجود جو بردباری و تساهل، توسعه فرهنگی و پذیرش کثرت گرایی از زمینه های اصلی مؤثر در تحقق و بسط مشارکت اجتماعی هستند (گائوتری، ۱۹۸۶). طالب و عنبری (۱۳۸۷) و طالب و بخشی زاده (۱۳۹۷) در آثار خود با در نظر گرفتن مبانی جامعه شناسی بومی و با رویکرد محلی گرایانه به نقد گفتمان های توسعه ای پرداخته است. از نظر او اکثر اقدامات و مداخلات توسعه ای در ایران در راستای منافع کشوره های غربی بوده است که می بایست جریان پیشرفت آن ها را تکمیل می کرد. او معتقد است تا کنون در نظام برنامه ریزی فهم جامعی از توسعه شکل نگرفته است، توسعه در ایران کالایی وارداتی بوده است و تناسبی میان باورهای فرهنگی بومی و این کالای وارداتی وجود نداشته استبه نوعی تغییر و تحولات در جامعه ایرانی، پاسخی به اقتضائات تحمیلی تاریخی بوده است و پیوند درستی شکل نگرفته است. ناصرفکوهی (۱۳۷۹، ۱۳۸۴، ۱۳۸۹) در آثار و نوشته های خود با رویکرد انسان شناسی به مسئله توسعه، فرهنگ و آسیب شناسی آن در ایران پرداخته است. ایشان با نقد گفتمان های تقلیل گرای توسعه ای که سنت ها و هویت های محلی و بومی را مانعه توسعه و نوسازی می دانند، تنوع هویتی و فرهنگی را عاملی مؤثر در توسعه قلمداد می کند و بر این باور است که توسعه در نتیجه تنوع و تعامل فرهنگ ها معنا پیدا می کند. وی معتقد است که تنها راه مفید برای اغتلا بخشیدن به فرهنگ ملی و توسعه، حفظ رابطه و احترام به فرهنگ های محلی (غیر ملی) و جذاب ساختن هرچه بیشتر عناصر فرهنگ بومی است. سن و آناند (۱۹۹۴) با تاکید بر بحث توسعه انسانی پایدار را مطرح کردند و در آن لزوم توجه به حقوق اقلیتها، گروه های استثمار شده، زنان و نیز توجه به نسل های آینده را یادآور شدند. سن (۱۹۹۸) نیز به انتقاد از نگاه صرفاً ابزاری به انسان می پردازد و معتقد است: نوع بشر، تنها مهمترین وسیله دستاورد های اجتماعی نیست، بلکه بزرگ ترین هدف آن است. به نظر

وی ما نیازمند مفهومی گسترده تر از توسعه هستیم که بر ارتقای زندگی بشر و آزادی ها متمرکز باشد. (یوسفوند، ۱۳۹۵)

«مک کان»^۱ (۲۰۰۲) در مطالعه خود «سیاست‌های فرهنگی توسعه اقتصاد محلی: مفهوم-سازی، محلی‌سازی و فرایندهای سیاست شهری»، به بررسی رقابت بر روی چگونگی ترسیم سندهای چشم‌انداز آینده محلات در روند سیاست‌های محلی مختلف تمرکز کرده است (حسینی و احمدی، ۱۳۹۴). «سامپر» (۲۰۰۷) در مقاله ای با عنوان «آیا سطحی از ظرفیت نهادی برای توسعه یکپارچه منطقه ای وجود دارد؟» به این نتیجه می‌رسد که باید برای اجرای موفقیت آمیز برنامه های توسعه یکپارچه منطقه ای برای سطوح ظرفیت نهادی موجود را افزایش داد. در نهایت سامپر اشاره می‌کند که ظرفیت سازی نهادی برای توسعه منطقه ای خود مستلزم زمان، میل و خواست برای یادگیری و باز بودن سیاسی نسبت به فرایندها و رویکردهای جدید حکمرانی می‌باشد. «به عقیده "مالکوم واترز" «جهانی‌شدن فرآیند اجتماعی‌ای است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند». (ویترز، ۲۰۰۰). به عقیده "مک لوهان"^۲ و "گیدنز"^۳، رسانه‌های گروهی با تبدیل روابط انسانی به نمادها و نشانه‌ها، مردم اقصی نقاط جهان را به یکدیگر مرتبط کرده‌اند و در این میان اینترنت که شبکه بین‌المللی ارتباط میان رایانه‌ها است، نقش بسزایی را در این زمینه ایفاء می‌کند. در همین باره "هربرت مک‌لوهان" کانادایی (۱۹۱۱ - ۱۹۸۰)، پیش‌بینی می‌کرد که بر اثر پیشرفت ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون، همه افراد جهان می‌توانند در یک لحظه در معرض تصاویر یکسان قرار گیرند و به این ترتیب به عقیده "آلوین تافلر"^۴ موجب پیدایش "دهکده‌ای جهانی" متشکل از بشر پراکنده در پنج قاره

1- McCann

2- McLuhan

3- Giddens

4- Alvin Toffler

خواهد شد. (تافلر، ۱۳۷۶). «علوی و رنجی پور» (۱۳۹۱) در مقاله گفتمانی بدیل برای توسعه: رویکرد انسان شناختی به مفهوم توسعه پرداخته است. هدف این مقاله، بررسی پیامدهای تئوریک انسان‌شناختی بحران توسعه و اندیشه انتقادی آن و نیز بازخوانی گفتمان مذهبی جامعه ایران و همانندی‌های آن با دیدگاه انسان‌شناسان می‌باشد. «نوذری» (۱۳۹۲) به بحث معنای توسعه در سطح کلان آن و در معانی گفتمانی پرداخته که در سال حاضر به دنبال پر کردن خلاء مفهومی نظری شکل گرفته و در نتیجه مطالعات کلان نگر توسعه ای نوسازی مدار هستیم چرا که در این تحقیق معنای پژوهش معنای سطح خرد توسعه و روشی غیر از روش گفتمانی - بلکه پدیدارشناسی مد نظر خواهد بود. «اجتهاد نژاد کاشانی و اجلالی» (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان کندوکاو نظری - مفهومی درباره توسعه فرهنگی از منظر جامعه - شناسی دارد که با ارائه مدلی نظری - مفهومی از توسعه فرهنگی به تفکیک هسته فرهنگی مشترک و کنش اجتماعی و تبیین روابط میان این دو به بررسی مکانیسم عمل فرهنگ در جامعه معاصر پرداخته است. محقق در پایان، هشت مولفه مرتبط با هم، شامل: برخورداری فرهنگی، ابداع فرهنگی، تکثر فرهنگی، تعامل فرهنگی، مشارکت فرهنگی، شمول فرهنگی، وفاق فرهنگی و بازاندیشی فرهنگی را به عنوان مولفه‌های تشکیل دهنده توسعه فرهنگی پیشنهاد نموده است. «عنبری» (۱۳۹۳) در مقاله توسعه به مثابه هویت معتقد است که مفهوم توسعه تا به حال در رقابت و جدالی ظریف با فرهنگ بومی است اما به ظاهر خود را فرهنگ خواه و آرمان گرا نشان داده است. در واقع بهترین روزنه برای ورود فرهنگی و بومی به توسعه اروپا مدار امروزمین، برجسته سازی چالش توسعه با هویت است اما توسعه این مفهوم را بزرگ ترین مانع انرژی منفی توسعه انگاشته است. «مرادی» (۱۳۹۳) نیز با رویکردی پدیدارشناسانه به فهم نقش توسعه در تغییر مناسبات اجتماعی در حاشیه رود کارون سه پرداخته است؛ که در این پژوهش توسعه به عنوان عاملی در نظر گرفته شده که بنیان نظام اجتماعی سنتی مردم و ساختارهای حاکم بر آن را تغییر داده است و بینشی که از آن مستفاد می شود اولویت قائل شدن به نگرش فرهنگی و اجتماعی در پروژه های توسعه ای با تاکید

بر سد سازی می باشد. «شاهسواری، اوجاقی میرکوهی، محمودی و سپهری (۱۳۹۴) در مطالعه خود به بررسی اهمیت توسعه فرهنگی و تاثیر آن بر خودباوری جامعه بیان می کند: آنچه در مفهوم فرهنگ اهمیت دارد باورهای ذهنی و ارزشی نماید. «لیپست» معتقد بود دموکراسی به فرهنگی حمایت کننده نیاز دارد پذیرش آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی های است که می توان در روابط اجتماعی انسان ها به صورت رفتار و کنش مشاهده کرد. توسعه فرهنگی منجر به خودباوری جامعه شده است و این مساله خود در شکل گیری و هویت فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفاء می دینی پیش شرط های تحقق دموکراسی است که در نتیجه تحولات ناشی از مدرنیسم فراهم می شود (بهمنی و دلوری ۱۳۹۵). در پژوهش دیگری «موسوی و شکوهی» (۱۳۹۷) در مطالعه خود با عنوان نقش زنان در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در شاهراه نقشه راه جهان امروز. هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی که بیان می کند زنان در راه پیشبرد تمدن اسلامی، زمان فراغت خود را صرف بهبود شرایط اقتصادی خود، خانواده و جامعه خود می کنند. «علیزاده و کنعانی» (۱۳۹۸) سعی نموده تا به بررسی الگوی بومی پیشرفت از منظر پساتوسعه گرایی بپردازد. باتوجه به این که کشور ایران از منابع غنی و فرهنگ و تاریخ دیرینه ای برخوردار است، الگوی بومی شرایط پیشرفت متناسب با وضعیت داخلی کشور می تواند موفق باشد که در این میان توجه به جهانی و بستر سازی مناسب از جمله: تمرکز زدایی، اهمیت نهادهای غیردولتی و مردم نهاد، توجه جدی به نیروی انسانی، تقویت جامعه مدنی، مدیریت منابع و مشارکت دموکراتیک از پیش نیازهای اساسی برای الگوی بومی پیشرفت می باشند. «مداح» (۱۳۸۸) به بررسی انسان شناختی تاثیرات پروژه های توسعه ای بر زندگی زنان تهران پرداخته است و توجه به دانش بومی، حذف پیش فرض های اشتباه توسعه ای کارگزاران و در نظر گرفتن نیازهای پایه ای اجتماعات محلی را در اولویت اجرای پروژه ها در نظر گرفته است.

پژوهش های انجام شده؛ هر چند رویکرد تفسیری و کیفی را مبنای تحلیل قرار داده اند ولی پا را از صرف ارائه پیامدهای نوسازی در قالب مدل پارادایمی فراتر نگذاشته اند و مفهوم مهم و اساسی توسعه که چندین دهه است که دغدغه سازمان های بین المللی و محلی و دولت ها و مردم شده؛ مورد توجه قرار نداده اند.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر نوع روش، روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی^۱ مبتنی بر هستی شناسی هوسرل^۲ محسوب می گردد. از آنجا که سوال محوری در این پژوهش بررسی معنا و ماهیت تجربه زیسته ی پدیده برای گروهی از افراد است لذا رویکرد پدیدارشناسی با رهیافت توصیفی مورد استفاده قرار گرفته است. پدیدارشناسی توصیفی که تأکید بر وجود یک ذات مشترک در پدیده ها را دارد ذهن انسان را یک بازتابنده به مانند آینه می بیند. روش پدیدارشناسی توصیفی به جای ارائه یک پیش فرض و گشتن به دنبال شواهدی در اثبات آن به دنبال توصیف ساختار یک پدیده است تا بتوان این پدیده را عمیق تر نسبت به سایر روش ها درک کرد (خجسته مهر، محمدی، منصوری و سودانی ۱۳۹۷:۱۵۸).

این مطالعه با استفاده از مصاحبه عمیق از ۲۷ نفر از کنشگران در زنجان انجام شده است. انتخاب نمونه به روش نمونه گیری هدفمند صورت گرفت. نمونه گیری هدفمند که نمونه گیری غیراحتمالی، هدفدار یا کیفی نیز نامیده می شود به معنای انتخاب دار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است. در واقع این نوع نمونه گیری انتخاب افراد بصورت تصادفی نبوده، با در نظر گرفتن حساسیت ها و ملاحظات نظری و روشی و همچنین گفتگو با اساتید راهنما و مردم محلی، شناسایی افراد صورت گرفت؛ بنابراین افرادی را که صاحب تجربه همکاری با اقدامات توسعه ای در منطقه بودند و همچنین افرادی بومی

1- Descriptive phenomenology

2- Husserl

و ساکن منطقه بودند از روند توسعه زنجان اطلاع داشتند به عنوان مشارکت کننده جهت گفتگو و بحث در مورد موضوع تحقیق به آن ها مراجعه شد. این نوع نمونه گیری به دنبال ایجاد قوانین ثابت و تغییرناپذیر و یا تعمیم نتایج نیست بلکه سعی در شناخت بهتر هر پدیده در زمینه خاص دارد. استفاده از روش اشباع داده در پژوهش های کیفی به عنوان استاندارد طلایی پایان نمونه گیری در نظر گرفته می شود. از آنجایی که در پژوهش پدیدارشناسی توصیفی توانایی تعریف مفاهیم و تفکر انتزاعی از اهمیت زیادی برخوردار است برای مشارکت کنندگان در این پژوهش در نظر گرفته شده است.

روش تجزیه و تحلیل مصاحبه ها مبتنی بر هفت مرحله متودولوژی گلایزی^۱ انجام گردید. این مراحل شامل مرور اطلاعات مکتوب، استخراج عبارات مهم مرتبط با پدیده، فرمول بندی معانی، قرارداد معانی فرموله شده در داخل خوشه ها و شکل دادن مضامین (تم ها)، ترکیب نتایج در قالب توصیف پدیده مورد مطالعه، تعیین ساختار ذات پدیده و اعتبار سنجی یافته ها از طریق مراجعه مجدد به مشارکت کنندگان می باشد. (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۸۰)

بدین ترتیب بر اساس سه مرحله اول مفاهیم استنباط شده از مصاحبه ها در داخل کد هایی قرار گرفت و در مرحله بعد از ترکیب کدهای مشابه مفاهیم و سپس با ادغام مفاهیم مشابه تم های اصلی حاصل شد. در این پژوهش استخراج تم ها و مفاهیم از متن مصاحبه ها پذیرفت. بعد از استخراج کدهای اولیه به دسته بندی و مفهوم سازی پرداخته شده است و مفاهیم به صورت پیوسته و با مقایسه مستمر بازنگری شدند و مضامین نهایی تشکیل شدند.

جدول ۱. فرایند گام به گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
-------	-----	-------

<ul style="list-style-type: none"> - مکتوب کردن داده ها - مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده ها - نوشتن ایده های اولیه 	آشنا شدن با متن	
<ul style="list-style-type: none"> - پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین - تفکیک متن به بخش های کوچکتر - کدگذاری ویژگی های جالب داده ها 	ایجاد کدهای اولیه و کد گذاری	تجزیه و توصیف متن
<ul style="list-style-type: none"> - تطبیق دادن کدها با قالب مضامین - استخراج مضامین از بخشهای کدگذاشته متن - پالایش و بازبینی مضامین 	جستجو و شناخت مضامین	
<ul style="list-style-type: none"> - بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج - مرتب کردن مضامین - انتخاب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر - ترسیم نقشه(های) مضامین - اصلاح و تأیید شبکه(های) مضامین 	ترسیم شبکه مضامین	تشریح و تفسیر متن
<ul style="list-style-type: none"> - تعریف و نام گذاری مضامین - توصیف و توضیح شبکه مضامین 	تحلیل شبکه مضامین	
<ul style="list-style-type: none"> - تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن - استخراج نمونه های جالب داده ها - مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری - بحث و نتیجه گیری 	تدوین گزارش	ترکیب و ادغام متن

بعد از جمع آوری داده ها برای تحلیل داده ها از ۷ مرحله کلایزی به شرح ذیل کمک گرفته شد :

۱- کلایزی توصیه می کند که در اولین مرحله تحقیق متون مصاحبه چندین بار مورد مطالعه قرار گیرند و تمام توصیف های به عمل آمده از پدیده جهت دستیابی به احساسی درباره آن خوانده شود. در این تحقیق پاسخ های به دست آمده از مصاحبه با مشارکت کنندگان بصورت مکتوب پیاده سازی و مورد بازخوانی محقق قرار گرفت ۲- بنا بر مرحله دوم تحقیق می بایست به روایت ها برگشت و عبارات مهم را استخراج نمود. در این تحقیق تلاش شد عباراتی که با موضوع اصلی پژوهش مرتبط بود شناسایی و بصورت جداگانه نوشته شود. سپس جملات نوشته شد. ۳- در مرحله سوم باید هریک از عبارت های مهم

استخراج شده در مرحله قبل را توضیح دهیم. این مرحله به فرمول بندی معانی موسوم است. محقق باید سعی کند با رعایت پراتنز سازی، معنا و مفهوم استنباط شده از این بیانات را به صورت معانی استخراج شده و در قالب جملات و عبارات کوتاه ذکر نماید. در صورتی که خود جمله به روشنی بیانگر مفهوم خاصی باشد می توان آن را به عنوان معنی استخراج شده در نظر گرفت. بر همین اساس در این پژوهش به هر یک از جملات استخراج شده معنی و مفهوم خاصی داده شد که این مفاهیم در برخی از جملات تکرار گردید. ۴- در مرحله چهارم طبق توصیه کلایزی می بایست معانی استخراج شده را با توجه به مفاهیم مربوطه در قالب خوشه هایی از تم ها سازمان داد.

الف) این خوشه ها را به روایتهای اولیه جهت معتبر سازی آنها ارجاع دهیم.

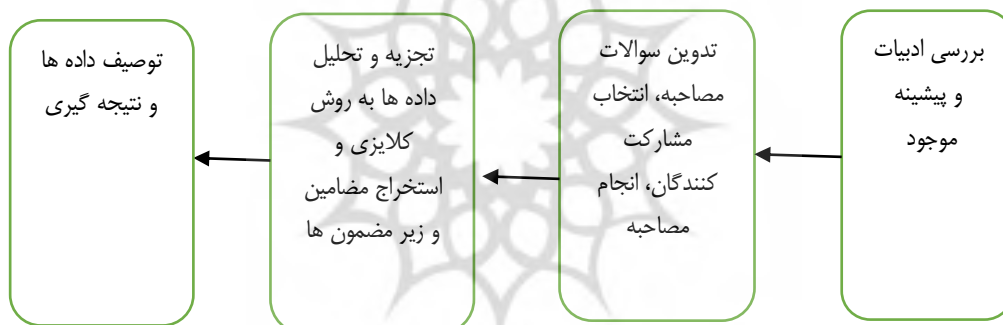
ب) در این نقطه، محقق باید داده ها یا تم های غیر مرتبط یا نامنطبق را رد کند.

در این مرحله معانی داده شده به عبارات در دسته بندی های خاص موضوعی قرار گرفته و مضامین اصلی شکل می گیرد نهایتاً ۸۲ کد استخراج شده در ۶ مضمون اصلی و ۹ زیر مضمون جای گرفت. ۵- توصیه کلایزی در مرحله پنجم این است که محقق تمامی نتایج و نظرات بدست آمده را در قالب یک توصیف جامع و کامل از پدیده مورد مطالعه ترکیب می شوند. ۶- در مرحله ششم توصیف مفصل و کامل از پدیده بررسی شده را تا حد امکان در قالب یک عبارت شناختی نا هم ارز و به شکل یک توصیف پایه که به روشنی بیانگر ساختار تجربه باشد، خلاصه می کنیم. ۷- مرحله هفتم گام معتبر سازی نهایی است که می تواند با بازگشت به هریک از سوژه ها و پرسیدن در مورد یافته ها تا این مرحله از بررسی به دست آید (محمدپور، ۱۳۹۲).

میزان واقعیت گویی و نزدیکی یافته های تحقیق پدیدارشناسانه به حقیقت موضوع بستگی به توانایی تحقیق در دسترسی به تلقی مورد نظر فرد مورد مطالعه از پدیده ای دارد که توسط او تجربه شده است؛ لذا محقق در تمامی فرایند تحقیق باید با در پراتنز گذاشتن عقاید خود در رابطه با موضوع، خود را تا حد ممکن به زاویه دیدی در رابطه به موضوع مورد مطالعه

برساند که فرد مصاحبه‌شونده از آن منظر به موضوع می‌نگرد. لذا مناسب‌ترین ابزار به منظور سنجش قابلیت اعتماد و اعتبار یافته‌های روش تحقیق پدیدارشناسانه ارائه یافته‌های تحقیق به افراد مورد مطالعه و نظرخواهی از آن‌ها در مورد توانایی نتایج تحقیق در دسترسی صحیح به ماهیت پدیده مورد نظر از منظر آن‌ها است (گرونوالد، 2004).

در واقع ما در این پژوهش به منظور بررسی صحت نتایج، یافته‌های تحقیق را به شرکت‌کنندگان برگردانده و نظر آنها در این مورد سؤال کردیم که مطمئن شویم نتایج ارائه شده نمایانگر تجربیات آنان بوده که همگی مشارکت‌کنندگان به صحت یافته‌های خود تأکید کردند.



شکل ۱. مراحل انجام پژوهش

نمودار فوق خلاصه‌ای از روند انجام تحقیق حاضر به روش پدیدارشناسی می‌باشد که مراحل انجام کار را مرحله به مرحله عنوان می‌کند.

جدول ۲. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مشارکت‌کننده	جنسیت	شغل	تحصیلات
۱	زن	کارمند	فوق لیسانس مدیریت

۲	زن	مدرس حوزه	سطح دو حوزه
۳	زن	کارمند	فوق لیسانس علوم اجتماعی
۴	زن	فعال اجتماعی و فرهنگی	لیسانس ادبیات
۵	زن	آزاد	لیسانس عمران
۶	زن	فعال اجتماعی	لیسانس پرستاری
۷	زن	بخش خصوصی	فوق لیسانس کامپیوتر
۸	زن	کارمند	دانشجوی دکتری توسعه روستایی
۹	زن	خانه دار	لیسانس روانشناسی
۱۰	مرد	کارمند	دکتری مسائل ایران
۱۱	مرد	مدرس دانشگاه	دانشجوی دکتری فلسفه
۱۲	مرد	کارمند	دکتری اقتصاد
۱۳	مرد	کارمند	صنایع غذایی
۱۴	مرد	مدرس دانشگاه	دکتری مدیریت
۱۵	مرد	آزاد	مدیریت دولتی
۱۶	مرد	کارمند	دانشجوی دکتری جامعه شناسی
۱۷	مرد	آزاد	علوم سیاسی
۱۸	مرد	دبیر	فوق لیسانس علوم اجتماعی
۱۹	مرد	بخش خصوصی	فوق دیپلم برق
۲۰	مرد	مدرس حوزه	سطح دو حوزه
۲۱	مرد	آزاد	فوق دیپلم کامپیوتر
۲۲	مرد	آزاد	فوق دیپلم حسابداری
۲۳	مرد	کارمند	فوق لیسانس طراحی صنعتی
۲۴	مرد	هیات علمی دانشگاه	دکتری تاریخ
۲۵	مرد	بخش خصوصی	فوق لیسانس عمران
۲۶	مرد	معلم	فوق لیسانس علوم تربیتی
۲۷	مرد	آزاد	علوم سیاسی

جدول ۳. کدگذاری متمرکز و مقوله های عمده درک و تفسیر مفهوم توسعه

مضمون	زیرمضمون	کدهای استخراج شده از مصاحبه ها
-------	----------	--------------------------------

توسعه نهادهای اجتماعی و مردمی	تحقق مشارکت‌های اجتماعی	حس تعلق و انسان‌دوستی - احساس همدلی و وابستگی - تقویت و رشد مشارکت اجتماعی و جمع‌گرایی، تحقق مشارکت اجتماعی، - همدلی و مشارکت در مراسمات، - روحیه مشارکت‌جویی و همکاری و کمک به هم‌نوع
	توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد	تحقق مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد - گسترش نهادهای مذهبی مانند حسینیه‌ها - فعالیت نهادهای اجتماعی و سیاسی مردمی - فعالیت خیریه‌ها،
حس تعلق به خانواده و اقوام	خانواده دوستی	از خودگذشتگی به‌خاطر رفاه خانواده - تعصب و حس تعلق به خانواده و اقوام
توسعه تفکر اسلامی و ایرانی	توسعه فرهنگ دینی و مذهبی	بسط تفکر دینی - حفظ هویت فرهنگی و مذهبی - توجه بیشتر به بعد اسلامی فرهنگ
	توسعه فرهنگ ملی	تلفیق فرهنگ اسلامی - شیعی - آذری و ایرانی
تکوین خودآگاهی جمعی	ظهور خودآگاهی جمعی	ظهور خودآگاهی جمعی و تاریخی در سال‌های اخیر، تأثیرات مستقیم عناصر فرهنگی بر آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، غلبه فرهنگ بومی و سنتی به فرهنگ غربی
تسهیل‌گری رسانه‌ها	مزیت رسانه‌های نوین	افزایش سواد رسانه‌ای - تغییر دیدگاه‌ها با گسترش تکنولوژی - افزایش اطلاعات - مزیت‌ها - صرفه‌جویی در وقت - استفاده عموم از ماهواره - اینترنت
	دسترسی عمومی	تعامل مجازی - الویت رسانه‌ها به ارتباطات واقعی - تحت‌تأثیر قرار گرفتن خانواده‌ها از رسانه‌ها - ارتباط مجازی - استفاده عموم از ماهواره - اینترنت
تحقق آگاهی اجتماعی نسبت به جایگاه زنان در جامعه	تحقق مشارکت اجتماعی زنان	افزایش نرخ مشارکت اجتماعی زنان - تغییر نگاه سنتی به زنان و تغییر نقش‌های زنان در جامعه - از بین رفتن تعصبات بی‌جا به زنان، تحقق آگاهی جامعه نسبت به حقوق زنان در جامعه - ارتقاء نشاط اجتماعی بانوان

۴. یافته‌های تحقیق

بر اساس روش تحقیق، معانی داده شده به عبارات، در دسته بندی های خاص موضوعی قرار گرفته و مضامین اصلی شکل می گیرد. نهایتاً ۸۲ کد استخراج شده در ۹ زیر مضمون و ۶ مضمون اصلی جای گرفت.

۴.۱. توصیف مضامین استخراج شده

۴.۱.۱. توسعه نهادهای اجتماعی و مردمی

باتوجه به یافته های تحقیق می توان گفت: زنجان در زمینه تحقق توسعه مشارکت های عمومی، سازمان های مردم نهاد و خیریه ها توانسته گام های مثبتی حتی در سطح کشور بردارد. افرادی که روحیه مشارکت جویی دارند نسبت به سرنوشت خود بی تفاوت نیستند بلکه در کنش های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی احساس مسئولیت خود را پذیرفته اند. بدینسان مهمترین اثر و برکت مشارکت، زنده بودن جامعه و برخورداری از حیات است. زیرا نشانه حیات، آگاهی و جنبش است و مشارکت که تجلی حساسیت جامعه نسبت به سرنوشت خود است، حاکی از نشان دادن واکنش های مناسب، نسبت به کنش های محیطی است. مشارکت، هم نشانه زنده بودن و بیداری جامعه است و هم زنده و بیدار بودن جامعه را تقویت کرده، استمرار می بخشد. از یک سو، هرچه سطح مشارکت در جامعه افزایش یابد، کنش اجتماعی، سازمان یافته تر می شود. از سوی دیگر، هرچه کنش اجتماعی سازمان یافته تر و نظام مندتر باشد، سطح بالاتری از مشارکت را ایجاد می کند بنابراین مشارکت، یکی کنش مثبت، کارساز و پر برکت اجتماعی است که بر زمینه آگاهی و اراده و خواست روئیده و نشانگر حیات یک جامعه است. در زنجان این مشارکت اجتماعی تحقق یافته و اثرات مثبت آن در تشکیل سازمان های مردم نهاد و خیریه ها بیشتر نمایان است. تعدادی از مشارکت کنندگان درخصوص تحقق مشارکت های اجتماعی این گونه اشاره می کنند:

«(کد ۶): یک فرهنگ خوبی که مردم زنجان دارند روحیه مشارکت جویی است کمک به همون در زنجان خود زبانزد هست مردم زنجان به صورت خودجوش انجمنی تاسیس کردند که به نام «مهرانه» که به بیماران سرطانی را در کلیه نقاط ایران حتی کشورهای همسایه

خدمات رایگان می‌دهد و خود من نیز هر ماه کمک ناچیزی به انجمن واریز می‌کنم.» (کد ۲۲): در ماه محرم دسته‌های بزرگ «حسینی» و «زینبیه» در زنجان حرکت می‌کنند من به همراه پسرم خادم برای راه اندازی دسته‌ها همکاری می‌کنم از تمام شهرها و حتی کشورهای دیگر برای شرکت در دسته می‌آیند و بخاطر همین به زنجان پایتخت شور و شعور حسینی می‌گویند و ندورات اهدایی این دسته‌ها را برای کارهای عام‌المنفعه و خیر صرف کنند.»

۴. ۱. ۲. حس تعلق به خانواده و اقوام

براساس تجربه‌های کنشگران در این تحقق از خود گذشتگی به‌خاطر رفاه خانواده، تعصب و حس تعلق به خانواده و اقوام در بین زنجان‌ها خیلی مشهودتر است. خانواده اولین محیط آموزشی برای هر فرد است. فرد از کودکی تا بزرگسالی همه‌چیز را در خانواده آموزش می‌بیند. راه رفتن خانواده‌اش را می‌بیند و آن را امتحان می‌کند. حرف زدن آن‌ها را می‌بیند و سعی می‌کند از آن‌ها تقلید کند. کم‌کم نحوه ارتباط را در میان آن‌ها آموزش می‌بیند. همچنین عشق ورزیدن، رفتار کردن، کنار آمدن با زندگی و همه چیز را از خانواده خود یاد می‌گیرد. این مساله محبت خاصی میان افراد هر خانواده ایجاد می‌کند و باعث می‌شود همیشه برای کمک به همدیگر آماده باشند. وقتی بچه‌ها بزرگ می‌شوند، ازدواج می‌کنند خودشان بچه‌دار می‌شوند، کل چرخه دوباره تکرار می‌شود. اعضای خانواده هر زمان که نیاز داشته باشید برای کمک به شما حاضر می‌شوند. به طرق مختلف از شما حمایت می‌کنند، چه مالی و چه اخلاقی. همیشه می‌توانید مشکلاتتان را با آن‌ها در میان بگذارید تا برای آن‌ها راه‌حل‌های بهتری پیدا کنید. خانواده یکی از بزرگترین نعمت‌های خداوندی است.

تعدادی از تجربه‌های مشارکت‌کنندگان در این خصوص عبارت است از: «(کد ۱۹): اولویت اول من خانواده است و حاضر هستم برای تامین منفعت و رفاه خانواده مخصوصا فرزندان خود، از صبح تا شب کار کنم، برای این‌که فرزندانم بتوانند در کنکور قبول شوند از هیچ امکانات مادی و معنوی دریغ نمی‌کنم، حتی مجبور هستم علاوه بر شغل اصلی خودم

کار دیگری را هم انجام دهم». « (کد ۲۵): اگر مشکلی بین ما پیدا بشه از پدر و مادر مشورت و کمک می گیریم. آن ها همیشه راه درست زندگی کردن را به ما یاد می دهند، با این که خودم تشکیل خانواده دادم اما باز هم اگر خانواده خودم منظوم پدر و مادر و خواهر برادرانم نبودند از عهده زندگی خودم بر نمی آمدم. پدرم سرمایه اولیه کارم را برایم مهیا کرد و توانستم برای خودم کار کنم و درآمد داشته باشم».

۴.۱.۳. توسعه تفکر اسلامی و ایرانی

زنجان با وجود تنوع قومی، زبانی و اقلیمی متنوع، هنوز هویت فرهنگی و مذهبی خود را حفظ کرده است. تلفیق فرهنگ اسلامی - شیعی - آذری و ایرانی در زنجان و توجه بیشتر به بعد اسلامی فرهنگ در بین زنجانیه ها به علت مذهبی بودن اکثر خانواده ها بیشتر به چشم می خورد و براساس تجربه های مشارکت کنندگان این امر به خوبی نمایان می باشد. جالب است براساس نظر اکثر مردم زنجان اعتقادات مذهبی موجب رسیدن به تعالی بشری است. ارادات به ائمه معصومین علی الخصوص امام حسین (ع) در برگزاری دسته جات از جمله «حسینیه و زینبیه» و لقب دادن این شهر به عنوان «پایتخت شور و شعور حسینی» گواه بر مذهبی بودن و پابرجا بودن تفکرات شیعی، مذهبی و اسلامی است.

یکی از مواردی که در مصاحبه ها از آن صحبت شد توسعه فرهنگ دینی و مذهبی بود. اکثر مشارکت کنندگان به این موضوع اذعان داشتند که مردم زنجان بسیار مذهبی بوده و با توجه به اینکه امروزه حضور حاملان اولیه و ثانویه مدرنیزاسیون در مدار تغییرات قرار گرفته اند، به گونه ای که موجب تزلزل باورهای دینی و اعتقادی افراد شده اند. همچنان کنشگران درک، تجربه و تفسیر کردند به نسبت گذشته ارزش های اخلاقی و دینی مردم مخصوصاً جوانان کم رنگ نشده است. «(کد ۲۰): اکثر خانواده های ساکن در زنجان مذهبی هستند و ارادات خاصی به ائمه و امامان معصوم دارند و در محرم با برگزاری دسته جات بزرگ عزاداری به صورت منسجم زبانزد هستند که این شهر را به خاطر دسته ای بزرگی مانند حسینیه

و زینبیه پایتخت شور و شعور حسینی لقب دادند و خود من همراه خانواده ام یکی از شرکت‌کنندگان در این مراسمات هستم».

۴.۱.۴. تکوین خود آگاهی جمعی

بنابر تجربه تعدادی از آنان زمینه‌های فرهنگی برای توسعه وجود دارد اما باید تقویت و در راستای هدف درست هدایت گردد. تعدادی از مشارکت‌کنندگان امیدوار بودند با ظهور خودآگاهی جمعی مسیر توسعه صعودی خواهد بود. از نظر آن‌ها مردم تحت‌تاثیر جریانات مثبت توسعه قرار گرفته‌اند و اما نباید فرهنگ بومی را فدای توسعه غربی کرد بلکه باید به بومی کردن توسعه توجه کنیم در این خصوص مشارکت‌کننده کد ۱۰ می‌گوید:

« یکی از مهمترین وجوه فرهنگی ملامت و همراه با توسعه، ظهور خودآگاهی جمعی و تاریخی است که به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، در زنجان در حال تکوین می‌باشد. اگر این خودآگاهی امکان بسط پیدا کند خواهد توانست، زمینه نقد وضعیت موجود و به تبع، شرایط گذر از نقد یعنی سازندگی را تدارک ببیند. مهمترین نکته قابل توجه در موضوع خودآگاهی جمعی و تاریخی، وقوف به مفهوم سود و زیان مشترک یا منافع و مصالح جمعی و تلاش برای تحقق آن در قالب تولید فکر، ثروت، خدمت، کالا و دانش است؛ که زمینه‌های آن را در افق نه‌چندان دوردست زنجان می‌بینم. تکیه مردم به نظام دمکراتیک، آزادی، حقوق زنان، حق انتخاب، حق انتقاد، به چالش کشیدن کارگزاران، حق انتخاب نوع و سبک زندگی ... نشان از تاثیرات مستقیم عناصر فرهنگی خارج از مرزهای سنتی ایرانیان دارد اما توانسته ایم تا حدودی آن را بومی کنیم».

۴.۱.۵. تسهیلگری رسانه‌ها

تغییر دیدگاه‌ها با گسترش تکنولوژی با به‌روز شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش روزافزون استفاده مردم از ارتباطات جهانی، افراد با الگوی مصرف جهانی آشنا می‌شوند و الگوی مصرف آن‌ها از الگوی ایرانی - اسلامی به الگوی مصرف جهانی تغییر شکل داده است و شاهد شکل‌گیری الگوهای مصرف جهانی همراه با بازارهای مصرفی جهان

هستیم. اکثر مشارکت کنندگان به این موضوع اذعان داشتند که ایجاد ارتباط و تعامل با سایر فرهنگ‌ها با گسترش فضاهای مجازی، اینترنت و سایر رسانه‌ها تا حدودی اتفاق افتاده است. با گسترش تکنولوژی و جهانی شدن آن مردم ما نیز از آن تاثیر گرفتند هرچند می‌توان گفت این تاثیر می‌تواند مثبت باشد یا منفی. از سویی با کم‌رنگ شدن مرزهای ملی و گستره تاثیرپذیری شهروندان فراتر از مرزهای ملی به جهت تشدید روابط جهانی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز افزایش روابط با سایر کشورها و افزایش مسافرت‌ها به سایر نقاط جهان باعث افزایش اعتقاد به دموکراسی، افزایش آگاهی در جامعه مدنی و اهمیت مسائل حقوق بشر گردیده است.

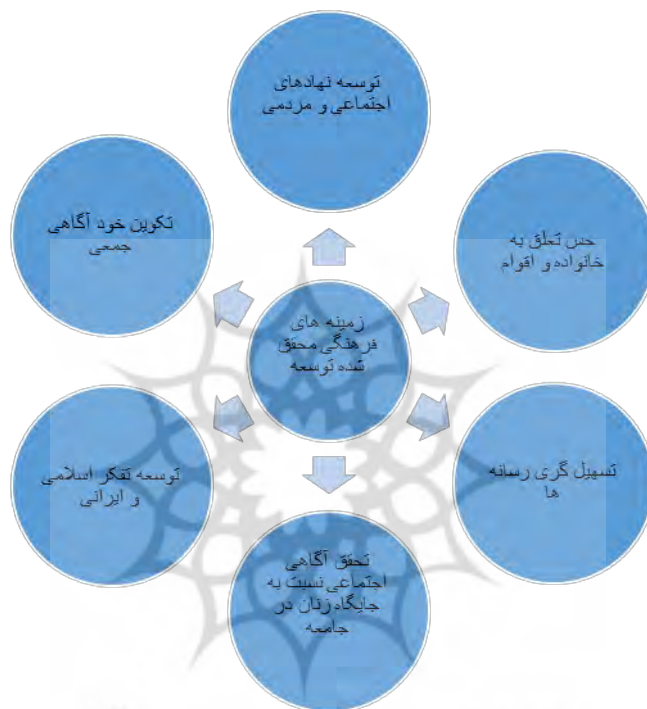
در اینجا تجربه تعدادی از مشارکت کنندگان را در مورد موضوع فوق بیان می‌کنیم:
«(کد ۹): قبلا در خانه وسایل ارتباط جمعی خیلی کم بود ما تلفن، تلویزیون سیاه و سفید و یا یک رادیو، بیشتر نداشتیم، اما الان با گسترش تکنولوژی و پیشرفت علم خوشبختانه تلویزیون رنگی از نوع پیشرفته، کامپیوتر، لپ‌تاب، موبایل، ماهواره، اینترنت و... داریم».

«(کد ۲۱): قبلا برای اطلاع از وضعیت دوستان و آشنایان ساکن در خارج از کشور از تلفن یا نامه استفاده می‌کردم اما الان به راحتی بوسیله اینترنت، ارتباط تصویری می‌گیرم و با همدیگر صحبت می‌کنیم».

۴.۱.۶. تحقق آگاهی اجتماعی نسبت به جایگاه زنان در جامعه

. بر اساس یافته تحقیق زنان در زنجان با توجه به سنتی بودن جامعه تا توانسته اند تا حدودی جایگاه واقعی خود را در مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بدست بیاورند و باید گفت دیدگاه‌های سنتی که زن باید در خانه بماند و فقط خانه داری و همسر داری و فرزند آوری را انجام دهد تحت تاثیر جهانی شدن قرار گرفته است و آگاهی‌های اجتماعی نسبت به حق و حقوق و جایگاه زنان تا حدی ارتقاء یافته است به-گونه‌ای که در خانواده‌ها شاهد افقی شدن نسبی هرم قدرت در خانواده و مشارکت زنان

تصمیم‌گیری‌ها هستیم حتی زنان پا به پای مردان در توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... مشارکت دارند.



شکل ۲. زمینه‌های فرهنگی محقق شده برای توسعه در زنجان

در همین رابطه تعدادی از افراد مورد مصاحبه می‌گویند: «(کد ۱): تغییر دیدگاه‌ها به نقش‌های زنان در جامعه تا حدودی اتفاق افتاده، قبلاً زنان را به‌عنوان خانه‌دار و مادر بودن و زن بودن قبول داشتند اما الان زنان در بیرون از خانه هم شاغل است و برای کسب درآمد تلاش می‌کنند همسر خود من شاغل هست و پا به پای من کار می‌کند و من بعنوان شریک زندگی ایشان در کارهای خانه همکاری می‌کنم.» (کد ۲): تغییر اعتقادات و دیدگاه‌ها بین نسل‌ها مانند تغییر دیدگاه خانواده‌ها برای موافقت با ادامه تحصیل دختران حتی در سایر

شهرهای کشور، ازدواج آن‌ها، پوشش بدون چادر، حضور در جامعه با آرایش، حضور زنان در صحنه سیاست مانند شرکت در شورای شهر و نمایندگی مجلس و ... اتفاق افتاده است من خودم یک دوره برای شورای شهر کاندید شدم گر چه رای نیاوردم اما نشان داد که جامعه سنتی ما کم کم داره عوض میشه».

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مهمترین اثر و برکت مشارکت، زنده بودن جامعه و برخورداری از حیات است، باتوجه به رویکرد استفاده شده در این تحقیق یعنی پدیدارشناسی، آنچه که به‌عنوان نقطه عطفی در زنجان برای رسیدن به توسعه هست، داشتن فرهنگ مشارکت و همدلی بود که منجر به توسعه نهادهای اجتماعی و مردمی شده است. این استان دارای ۳۹۰ سازمان مردم‌نهاد ثبت شده می‌باشد (سلطانی، ۱۳۹۹)^۱ که نشان از بالا بودن روحیه مشارکت‌پذیری بالا در بین مردم زنجان می‌باشد، یکی از این سازمان‌های مردم‌نهاد که به جرات می‌توان گفت در سطح دنیا جزو چند سازمان تخصصی و معروف هست، انجمن حمایت از بیماران سرطانی «مهرانه» است که با کمک مردم تاسیس شده و به بیماران سرطانی به‌صورت رایگان خدمات درمانی ارائه می‌دهد. علاوه بر این، سازمان‌های مردم‌نهاد دیگری در سایر حوزه‌های درمانی، آسیب‌های اجتماعی، محیط زیست، فرهنگی، اقتصادی و ... وجود دارد. پس نتایج این تحقیق با نتایج مطالعه «علیزاده و کنعانی» (۱۳۹۸) که می‌گویند: الگوهای موفق متناسب با وضعیت داخلی کشور در میان توجه به شرایط جهانی و بسترسازی مناسب برای الگوی بومی پیشرفت از جمله تمرکززدایی، اهمیت نهادهای غیردولتی و مردم‌نهاد، توجه جدی به نیروی انسانی، تقویت جامعه مدنی، مدیریت منابع و مشارکت دموکراتیک از پیش‌نیازهای اساسی می‌باشند همسویی دارد.

۱- به گزارش مدیر توانمندسازی تشکل‌های مردم‌نهاد وزارت کشور ۱۴ هزار سازمان و تشکل مردم‌نهاد در کشور فعالیت می‌کنند

زنجان با وجود تنوع قومی، زبانی و اقلیمی باز هویت فرهنگی و مذهبی خود را حفظ کرده، تلفیق فرهنگ اسلامی - شیعی - آذری و ایرانی در زنجان و توجه بیشتر به بعد اسلامی فرهنگ در بین زنجان‌ها به علت مذهبی بودن اکثر خانواده‌ها بیشتر به چشم می‌خورد و براساس تجربه‌های مشارکت‌کنندگان این امر به خوبی نمایان می‌باشد. جالب است براساس نظر اکثر مردم زنجان، اعتقادات مذهبی موجب رسیدن به تعالی بشری است. ارادات به ائمه معصومین علی‌الخصوص امام حسین (ع) در برگزاری دسته‌جات از جمله حسینیه و زینبیه و لقب دادن این شهر به عنوان پایتخت شور و شعور حسینی گواه بر مذهبی بودن و پابرجا بودن تفکرات شیعی، مذهبی و اسلامی است. براساس صحبت‌های مشارکت‌کنندگان و مشاهده محقق، مردم زنجان مذهبی و سنتی هستند و اعتقادات مذهبی را خط قرمز خود می‌دانند، نسل جدید هم با وجود این که تحت تاثیر تکنولوژی جدید و جهانی شدن قرار گرفته‌اند، اعتقادات مذهبی و دینی خود را فراموش نکرده‌اند و اعتقاد دارند که این دیدگاه موجب تعالی انسانی می‌شود. «زاهد» (۱۳۸۴) نیز در مطالعه بیان می‌کند در برنامه ریزی‌های توسعه باید تلاش کنیم امکان عبودیت فردی و اجتماعی تسهیل و در حد امکان گسترش یابد و به عبارت دیگر فرهنگ اسلامی را رشد و اشاعه دهیم که همسویی کاملی با نتایج مطالعه این تحقیق دارد.

مهم‌ترین چالشی که پیش روی زنان ما وجود دارد رسیدگی به وضعیت تعادل بین سنت و اسلام و وضعیت جامعه رو به صنعتی است. جامعه ما در وضعیت فعلی، جامعه‌ای در حال گذار است، جامعه‌ای است که از وضعیت ما قبل صنعتی یا اصطلاحاً سنتی به طرف جامعه صنعتی تغییر وضعیت داده است یعنی از حالت سنتی خارج شده اما هنوز به وضعیت صنعتی نرسیده است. بنابراین، جامعه در حال گذار ایران باید هم یک گذار به سمت صنعتی شدن را تجربه کند و هم باید گذری به سمت اسلامی شدن داشته باشد و ایده‌آل‌ها و آرمان‌های اسلامی را در نظر بگیرد. معنای این رویکرد این است که یک رویکرد سنتی صرف نیست، همچنین رویکرد الگو برداری از وضعیت زنان در جامعه صنعتی هم نیست و آن رویکردی

از اسلام است که بتواند تلفیقی از اینها را در بر داشته باشد. بر اساس یافته های تحقیق زنان توانسته اند جایگاه اجتماعی خود را پیدا کنند آگاهی های اجتماعی نسبت به موقعیت و جایگاه زنان بالارفته است، قبلا زنان خانه دار بودند اما الان با پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن، زنان در خارج از خانه و پا به پای مردان در تامین نیازهای خود و خانواده تلاش می کنند و توانسته اند در در حوزه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و... مشارکت نمایند. بنا براین نتایج این یافته با نتیجه تحقیق موسوی و شکوهی (۱۳۹۷) که بیان می کند زنان در راه پیشبرد تمدن اسلامی، زمان فراغت خود را صرف بهبود شرایط اقتصادی خود، خانواده و جامعه خود می کنند همخوانی دارد.

توسعه هم یک عینیت و حالت عینی است و هم یک وضعیت و حالت ذهنی. چنان چه بپذیریم که توسعه به مثابه وضعیتی خاص و محصول کنش عقلانی انسان هاست، پس باید بپذیریم که این کنش وابسته به انتخاب و آن نیز پیوسته به آگاهی و مهمتر از آن خواست آگاهی و به تبع آن، تغییر است. جامعه زنجان به عنوان قطعه ای از پازل جمعیتی ایران، بیش از یکصد سال است که در معرض امواج متعدد توسعه و ناتوسعه واقع شده و هم بر آن مؤثر بوده و هم از آن تأثیر گرفته است. از این رو می توان گفت که ما پرتاب شده در درون کهکشان توسعه ایم و گریز و گزیری از پذیرش تبعات و مهمتر از آن، الزامات آن نداریم. تعامل نامناسب سنت های رفتاری جمعی سنتی ما با فرایندهای نوگرایانه امر توسعه، معجونی از فرهنگ های چندپاره به وجود آورده و زمینه ها و ضد زمینه های فرهنگی خاصی را تولید کرده است. انقطاع تاریخی در فرایند مدرنیزاسیون کشور، گرچه اعتنا و التفات یکسویه و تک ساحتی به قبله آمال غرب را اصلاح کرد، اما، با تزریق فرهنگ ضد توسعه در دورن آن، امر توسعه را به تعلیق و تعطیل تاریخی برد. این تعلیق و تعطیل تاریخی، بحران های مختلفی را بر دوش نحیف فرهنگ توسعه گذاشت که توان راست کردن قامت در زیر آن فشار را ندارد. بدیهی است که ورود به فاز توسعه لااقل از اواسط دوره پهلوی اول اتفاق افتاده و دستاوردهای آن در جامعه زنجان قابل مشاهده است. از افزایش سطح تحصیلات عمومی،

افزایش خدمات بهداشتی و درمانی، توسعه دانشگاه‌ها، گسترش مراکز فرهنگی (سینماها، کتابخانه‌ها، کتابفروشی‌ها، مؤسسات خصوص هنری و فرهنگی و ...)، توسعه مطبوعات و رسانه‌ها، گسترش ارتباطات دیجیتال و الکترونیکی در شهرها و روستاها و بسیاری از موارد دیگر می‌توان به‌عنوان مظاهر توسعه فرهنگی یاد کرد. اما با عنایت به رویکرد پیش‌گفته درخصوص تکوین خودآگاهی جمعی و تاریخی و وقوف به مفهوم مصلحت عمومی، هنوز راهی دراز پیش‌روی زنجان وجود دارد. براساس نتایج یافته‌های تحقیق مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشتند خرد جمعی در زنجان در حال شکل‌گیری است و اگر تقویت شود موجب زمینه‌نقد سازنده از وضعیت موجود می‌شود و همه مردم در تحقق منافع و مصالح جمعی در قالب تولید فکر، ثروت، خدمت، کالا و دانش برای رسیدن به توسعه گام برمی‌دارند یعنی افراد جامعه از نظر فکری به این آگاهی می‌رسند که برای داشتن جامعه ایده‌آل باید خرد جمعی تقویت گردد و تامین منافع فردی در گروه تامین منافع جمعی است. لذا یافته این تحقیق با مطالعه شاهسواری (۱۳۹۴)

که بیان می‌کند: توسعه فرهنگی منجر به خودباوری جامعه شده است و این مساله خود در شکل‌گیری و هویت فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفاء می‌نماید که تا حدودی با نتایج این تحقیق همسویی دارد.

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند و از بدو تولد در یک مجموعه اجتماعی زندگی می‌کنند و نسبت به آن مجموعه احساس تعلق دارند. هر چه بزرگ‌تر می‌شود نسبت به والدین، اعضای خانواده، محله، شهر، کشور و بالاخره به فرهنگ خود احساس تعلق بیش‌تری می‌کند. گذشته و تاریخچه زندگی یک فرد در خانواده و مدرسه هم این احساس تعلق را قوی‌تر می‌کند. خاطرات مشترک افراد باهم نیز این احساس تعلق را افزایش می‌دهد و همین‌طور ویژگی‌های فردی مشترک در یک گروه یا یک جامعه باعث احساس تعلق بیشتر به گروه و جامعه می‌شود. در حقیقت حس تعلق به فرد کم و حس تعلق به اقوام ک می‌کند تا بفهمد، خودش چه کسی است؟ جایگاهش در این زندگی کجاست؟ چه هدفی

دارد و چگونه می تواند موفق شود؟ اگر فردی حس کند در موفقیت یک گروه یا یک جمع شریک شده است احساس رضایت بیشتری می کند و به وسیله این حس، توفیق بیشتری در رسیدن به اهداف خواهد یافت. احساس تعلق کردن به خانواده، اقوام، می تواند احساس ارزشمند بودن و هدفدار بودن را در فرزندان ما ایجاد کند، عزت نفس را در آن ها رشد دهد و باعث شود حس مسئولیت پذیری و خودآگاهی در آنان تقویت گردد. بر اساس یافته های تحقیق، مشارکت کنندگان خانواده دوستی و حس تعلق به اقوام را در درجه اول و اولویت خود قلمداد کردند.

با گسترش تکنولوژی و جهانی شدن مردم ما نیز از آن تاثیر گرفتند هرچند می توان گفت این تاثیر می تواند مثبت باشد یا منفی. از سویی با کم رنگ شدن مرزهای ملی و گستره تأثیرپذیری شهروندان فراتر از مرزهای ملی به جهت تشدید روابط جهانی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز افزایش روابط با سایر کشورها و افزایش مسافرتها به سایر نقاط جهان باعث افزایش اعتقاد به دموکراسی، افزایش آگاهی در جامعه مدنی و اهمیت مسائل حقوق بشر گردیده است. تغییر دیدگاهها با گسترش تکنولوژی با به روز شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش روزافزون استفاده مردم از ارتباطات جهانی، افراد با الگوی مصرف جهانی آشنا می شوند و الگوی مصرف آنها از الگوی ایرانی - اسلامی به الگوی مصرف جهانی تغییر شکل داده است و شاهد شکل گیری الگوهای مصرف جهانی همراه با بازارهای مصرفی جهان هستیم اکثر مشارکت کنندگان به این موضوع اذعان داشتند که ایجاد ارتباط و تعامل با سایر فرهنگها با گسترش فضاهای مجازی، اینترنت و سایر رسانهها تاحدودی اتفاق افتاده است به نوعی رسانه ها نقش تسهیل گری را ایفا می کنند لذا این یافته تحقیق، با عقیده " مک لوهان و گیدنز"، که عنوان کردند: رسانه های گروهی با تبدیل روابط انسانی به نمادها و نشانهها، مردم اقصی نقاط جهان را به یکدیگر مرتبط کرده اند و در این میان اینترنت که شبکه بین المللی ارتباط میان رایانهها است، نقش بسزایی را در این زمینه ایفاء می کند و پیش بینی می کردند که بر اثر پیشرفت ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط

جمعی به ویژه تلویزیون، همه افراد جهان می‌توانند در یک لحظه در معرض تصاویر یکسان قرار گیرند همسویی دارد.

بنا بر این در پاسخ به سول تحقیق می‌توان گفت، فرهنگ توسعه در مردم زنجان در حال شکل‌گیری است و مردم به حدی از خود آگاهی رسیده‌اند که تغییر و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... بپذیرند. لذا با حفظ سنت‌های مورد قبول خود به بازسازی زندگی روزمره بر حسب عوامل جهانی که بیشتر از طریق منابع و بسترهای تازه از قبیل رسانه‌های جهانی، فضاهای مجازی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و همچنین عوامل محلی، شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برمی‌گزینند.

پیشنهادهای پژوهش عبارت‌اند از:

- تغییر و تحولات سریع در عرصه علم و فناوری ضرورت روزآمد سازی و همگام بودن با پیشرفت‌ها را بیش از پیش ضروری ساخته است
- تهیه و تدوین راهبردهای جامع و فراگیر درباره فرایند جهانی شدن با در نظر گرفتن ویژگی‌ها متفاوت و ابعاد متفاوت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فنی این پدیده.
- اهمیت دادن به الگوهای درونی توسعه، که این مسئله با توجه به فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم، رفتارهای فرهنگی و... شکل می‌گیرد.
- توجه بیش از پیش به آموزش ابتدایی، سرمایه‌گذاری بر روی این بخش و آشنایی با فرهنگ جامعه در این حوزه آموزشی، معمولاً بیشتر از سایر مقاطع تحصیلی دیگر به جهت اهمیت به توسعه فرهنگی می‌توان مد نظر داشت.
- تقویت فرهنگ گفتگو و مفاهمه در میان مردم بخصوص کودکان از دوره مهدهای کودک و پیش دبستانی‌ها
- بسط و گسترش فرهنگ عقلانی به جای فرهنگ احساسی

- برای توسعه استان و شهرستان زنجان باید متناسب با ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها مجموعه ای از طرح‌ها و پروژه‌های هماهنگ و هم راستا تعریف شوند که در چارچوب یک برنامه (بخشی یا سرزمینی) شکل بگیرند و با اجرای آنها در چارچوب جهتگیری‌های کلان و روش‌های اجرایی از پیش اندیشیده شده، هدف‌های برنامه توسعه شهرستان و استان محقق شود. در این راستا باید سند توسعه آمایش پس از تصویب در مرکز ملی آمایش کشور به‌عنوان سند بالا دست استان و شهرستان‌ها به‌عنوان نقشه راه توسعه شهرستان مد نظر قرار گیرد

کتابنامه

۱. اجتهاد نژاد کاشانی، س. س.، و اجلالی، پ. (۱۳۹۳). کندوکاوهای نظری - مفهومی درباره توسعه فرهنگی از منظر جامعه‌شناسی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۱ (۶۴)، ۳۵-۷۲.
۲. ازکیا، م.، و احمدرش، ر. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان (بررسی موردی: مناطق روستایی موکریان). نشریه توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی)، ۴ (۲)، ۱۰۵-۱۲۴.
۳. استیگلیتز، ج. (۱۳۸۲). به‌سوی پارادایم جدید توسعه (ا. مردانی گیوی، مترجم). مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، (۱۹۵ و ۱۹۶)، ۱۰۴-۱۱۵.
۴. افروغ، ع. (۱۳۸۵). چالش‌های فرهنگی ایران. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۷۳۲، پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۵.
۵. بهمنی طراز، غ.، و دلاوری، ا. (۱۳۹۵). فرهنگ سیاسی دموکراتیک و طبقه متوسط. فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسان معاصر، ۵ (۸)، ۱-۲۱.
۶. برون، م. (۱۳۹۶). توسعه فرهنگی در ایران، چالش‌ها و راهکارها. دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران.
۷. تافلر، ا. (۱۳۷۶). موج سوم (ش. خوارزمی، مترجم). تهران: نشر نی.
۸. جعفری، ع. (۱۳۸۹). سیر تطور نظریات ارتباطات توسعه. رسانه، ۲۰ (۴)، ۹۷-۱۱۷.

۹. خدری، غ. ح.، و ابراهیمی، م. ص. (۱۳۹۵). واکاوی عاملیت انسانی در مفهوم انسانی. پنجمین کنفرانس الگوی ایرانی پیشرفت، الگوی پایه پیشرفت، تهران.
۱۰. حسینی، س. ع.، و احمدی، ع. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی نماگرهای توسعه فرهنگی استان هرمزگان با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۴(۱)، ۶۸-۴۱.
۱۱. خجسته‌مهر، ر.، محمدی، ز.، سودانی، م.، و عباسپور، ذ. (۱۳۹۷). تجربه زیسته فداکاری در ازدواج‌های پایدار. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۷(۶۵)، ۱۵۰-۱۸۵.
۱۲. دیلینی، ت. (۱۳۹۸). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی (ب. صدیقی، و. طلوعی، مترجمان). تهران: نشر نی.
۱۳. زاهد، س. (۱۳۸۴). انگاره‌ای اجمالی با تأکید بر موانع عمده توسعه فرهنگ بومی در باب توسعه فرهنگی در ایران. مجله راهبرد توسعه، ۳، ۸۱-۹۲.
۱۴. سیدمن، ا. (۱۴۰۰). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی (چاپ دوازدهم) (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۵. سلطانی، م. (۱۳۹۹). مصاحبه مدیر کل وقت دفتر امور اجتماعی استانداری زنجان. خبرگزاری مهر، شماره ۵۰۲۸۸۸۲، ۳۱ شهریور، بازیابی از <https://www.mehrnews.com/news>
۱۶. شاهسواری، م.، اوجاقی میرکوهی، ن.، محمودی، ع.، و سپهری، ذ. (۱۳۹۴). بررسی اهمیت توسعه فرهنگی و تأثیر آن بر خودباوری جامعه. اولین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار، صومعه‌سرا.
- شیرین آبادی، علی؛ مارامایی (۱۳۹۷). تحلیلی بر ریشه‌های فرهنگی عدم توسعه‌یافتگی ایران. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره خبر ۳۴۵۸۰۹۳. شماره روزنامه ۴۵۲۰. ۲۲ دیماه، بازیابی از <https://donya-e-eqtasad.com/3485093>
۱۷. طالب، م.، و بخشی‌زاده، ح. (۱۳۹۷). سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: توسعه اسلامی-ایرانی بر مبنای پیوند با ریشه‌های فرهنگی و بومی با تأکید بر اجماع اندیشمندان حوزه و دانشگاه. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۱۸. طالب، م.، و عنبری، م. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و تحولات در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. عنبری، م. (۱۳۹۳). توسعه به مثابه هویت: گره الگوی پیشرفت در ایران. *دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، ۳(۵)، ۳۵-۹.
۲۰. عنبری، م. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ*. تهران: انتشارات سمت.
۲۱. علوی، ل.، و رنجی‌پور، ر. (۱۳۹۲). گفتمانی بدیل برای توسعه: رویکرد انسان‌شناختی به مفهوم توسعه. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴(۱)، ۱۶۹-۱۹۲.
۲۲. علیزاده، آ.، و کنعانی، ز. (۱۳۹۸). رویکردی به الگوی بومی پیشرفت از سلطه پارادایم پساتوسعه گرایی. *هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت، الگوی پیشرفت؛ پیشروان‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق*، تهران.
۲۳. فکوهی، ن. (۱۳۷۹). *از فرهنگ تا توسعه*. تهران: انتشارات فردوس.
۲۴. فکوهی، ن. (۱۳۸۹). *توسعه و انسان‌شناسی کاربردی*. تهران: نشر افکار.
۲۵. فکوهی، ن. (۱۳۸۴). *در هزار توهایی نظم جهانی*. تهران: نشر نی.
۲۶. محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش (جلد اول: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. تهران: انتشارات وزیری.
۲۷. موسوی، ر.، و دوستی، ک. (۱۳۹۷). اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام. *فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام*، ۱۹(۶۰، ۶۱)، ۲۰۹-۲۳۰.
- موسوی، ز. ه.، و شکوهی، م. ع. (۱۳۹۷). نقش زنان در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در شاهراه نقشه راه جهان امروز. *هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران.
۲۸. مداح، ه. (۱۳۸۸). *بررسی انسان‌شناختی تأثیر پروژه‌های توسعه‌ای بر زندگی زنان (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد) دانشگاه تهران*، تهران، ایران.
۲۹. ندروین، پ. (۱۳۹۵). *نظریه توسعه، فرهنگی، اقتصاد، جامعه (ا. محمدی، مترجم)*. تهران: انتشارات گل‌آذین.

۳۰. وبر، م. (۱۴۰۰). *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری* (ع. انصاری، و پ. منوچری کاشانی). تهران: انتشارات سمت.
۳۱. یوسفوند، س. (۱۳۹۵). *مطالعه پدیدارشناسی فهم کنشگران ملی از مداخلات توسعه‌ای (مورد مطالعه: شهرستان سلسله)* (رساله دکتری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳۲. یوسفوند، س.، و عنبری، م. (۱۳۹۴). بازخوانی و نقد روش شناختی مطالعات توسعه اجتماعی محلی. *نامه انسان‌شناسی*، ۱۳ (۲۳)، ۱۹۳-۱۶۰.
33. Ardalan, K. (2009). Globalization and culture: Four paradigmatic views. *Journal of Globalization Studies*, 3(1), 39-54.
34. Calhoun, C. J., Gerteis, J., & Moody, J. (2007). *Contemporary sociological theory*. Malden: Blackwell.
35. Couton, P., & Gaudet, S. (2008). Rethinking social participation: The case of immigrants in Canada. *Journal of International Migration and Integration*, 9(1), 21-44.
36. Edgar, A., & Sedgwick, P. (2002). *Cultural theory, the key thinkers*. London and New York: Routledge.
37. Eugene, J. M. (2002). The cultural politics of local economic development: Meaning-making, place-making, and the urban policy process. *Geoforum*, 33, 385-398.
38. Groenewald, T. (2004). A phenomenological research design illustrated. *International Journal of Qualitative Methods*, 3, 1-26.
39. Gaotri, H. (1986). *Popular participation in development*. Paris: UNESCO.
40. Rahnema, M., & Bawtree, V. (Eds.). (1997). *The post-development reader*. London: Zed Books.
41. Sumpor, M. (2007). Is there any institutional capacity for integrated regional development? Application of new governance approaches in Croatia. Paper presented at the 47th Congress of the European Regional Science Association, Paris.
42. Waters, A. L. (2000). *Globalization, information and developing countries: A selected guid to information resources*. Retrieve from <http://slis.ualberta.ca/issues/alg1/global.htm>
43. Williams, R. (1981). *Culture*. Fontan: Glasgow.